

مذاکره با ایران تنها گزینه اوباما است



اندیشکده بروکینگز آمریکا اعلام کرد: مردم ایالات متحده گرفتار مشکلات فراوانی هستند، جنگ‌های پرهزینه با عراق و افغانستان مردم را از جنگ گریزان کرده و اولویت همه بهبود شرایط اقتصادی است.

اندیشکده بروکینگز آمریکا اعلام کرد: مذاکره با ایران تنها گزینه اوباما است

جام جم آنلاین: اندیشکده بروکینگز آمریکا اعلام کرد: مردم ایالات متحده گرفتار مشکلات فراوانی هستند، جنگ‌های پرهزینه با عراق و افغانستان مردم را از جنگ گریزان کرده و اولویت همه بهبود شرایط اقتصادی است. توافق با ایران از طریق مذاکره پرطرفدارترین راه پیش روی آمریکاست و نتیجه ای که مذاکرات به بار خواهد آورد، به قدری مهم و رضایت‌بخش است که می‌تواند صرف هر میزان زمان و انرژی بر سر این موضوع را توجیه کند.

171#؛ اندیشکده بروکینگز؛ در مقاله‌ای به قلم 171#؛ سوزان مالونی؛ مشاور سیاسی سابق وزارت امور خارجه و مشاور ارشد سیاست خارجی خاورمیانه، برای 171#؛ مرکز سابان؛ می‌نویسد: مردم آمریکا گرفتار مشکلات فراوانی هستند، جنگ‌های پرهزینه با عراق و افغانستان مردم را از جنگ گریزان کرده و اولویت همه بهبود شرایط اقتصادی است. ایران نیز فشارهای اقتصادی را متحمل شده است. بنابراین، هر دو طرف تمایل بیشتری به مذاکره و سازشی دارند که شرایط حداقلی‌شان را برآورده سازد. شاید راه دیپلماسی بی‌خطر نباشد، اما راه جنگ به قدری پرخطر و نتیجه احتمالی مذاکره به قدری مطلوب است که ارزش صرف زمان و انرژی زیاد را دارد.

آیا اوباما می‌تواند معامله با ایران را به نفع خود شکل دهد؟

در دور دوم ریاست جمهوری اوباما، چالش ایران هم تهدیدی سرنوشت‌ساز و هم فرصتی تاریخی است. علی‌رغم دستاوردهای مهمی که طی چهار سال گذشته در سیاست آمریکا نسبت به تهران داشته‌ایم. ایران همچنان می‌کوشد که نفوذش را گسترش دهد. طرحی که به حل مسأله هسته‌ای ایران بیانجامد بزرگ‌ترین تأثیر را در سیاست خارجی‌ای که هدفش تغییر بازی باشد خواهد داشت. توافقی معنی‌دار با ایران، بزرگ‌ترین دستاورد ریاست‌جمهوری ما خواهد بود، زیرا منع تکثیر هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای از ستون‌های محوری آن نظم جهانی هستند که آمریکا می‌خواهد به آن شکل دهد. تأثیر راه‌حل مسأله هسته‌ای این خواهد بود که منافع امنیت ملی آمریکا در منطقه‌ای به ویژه حساس و حیاتی، به خوبی پیش رود.

* طرح دیپلماتیک جدید باید به دنبال مذاکرات بیشتر و اصلاح برخوردها با ایران باشد

این توصیه‌ها را به عنوان نقطه آغازی برای یک طرح دیپلماتیک جدید پیشنهاد می‌کنیم:

8226#؛ پیگیری هرچه سریع‌تر توافق، در مورد تعطیل ساختن غنی‌سازی 20 درصدی در ایران؛

8226#؛ طرح پیشنهادی جامع برای اصلاح امتیازدهی و تحریم‌های ایران با کمک متحدان آمریکا؛

8226#؛ پافشاری برای زمان‌بندی فشرده‌ای برای مذاکرات با ایران، برنامه‌ای که متشکل از فرایند گفت‌وگوهای چند جانبه و دوجانبه باشد؛

انعقاد توافقی الزام‌آور با ایران

توافقی الزام‌آور که بلند پروازی‌های هسته‌ای ایران را با جدیت محدود سازد، دنیا را از عواقب ویرانگر توانایی هسته‌ای ایران، و همچنین هزینه‌های فاجعه‌بار حمله نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران حفظ خواهد کرد. این توافق به دوستان و متحدان آمریکا در منطقه اطمینان می‌بخشد و به آن‌ها کمک می‌کند که بتوانند چاره‌ای بیابند برای چالش‌های امنیتی مهمی که در داخل کشور با آن مواجه هستند، از جمله فشارهای داخلی برای اصلاح در رژیم‌های سلطنتی اعراب و فرایند صلحی که به بن‌بست رسیده است. این راه‌حل پایانی است بر چرخه خشونت و عملیات انتحاری همه طرف‌های درگیر که ناگزیر بازارهای نفتی را آشفته می‌سازد و بهبود اقتصاد جهانی را تهدید می‌کند. چانه‌زنی‌های هسته‌ای نتیجه‌بخش با ایران کمک می‌کند که با بازداشتن ایران از اقدام به ساخت

تسلیمات هسته‌ای، پروتکل منع تکثیر تسلیحات هسته‌ای را نیز تقویت کنیم.

شرایط مناسب مذاکره با ایران

با توجه به دلایلی که مطرح شد، باید با یک طرح دیپلماتیک اساسی مجدداً به پای میز مذاکره با ایران بازگردیم. برای آن‌که با جنبه سیاست خارجی ایران به پیشرفتی نتیجه‌بخش دست یابیم، شرایط آماده‌تر و مناسب‌تری نسبت به هر زمان دیگر، از انقلاب سال 1979 ایران به این سو، پیش رو داریم.

چگونه سیاست خارجی ایران را به سمت اعتدال پیش ببریم؟

امروز دست‌کم چهار امتیاز ویژه برای مقابله با ایران داریم که طی 4 سال گذشته نداشتیم:

&8226#؛ ایران به دلیل با مشکلات اقتصادی در دوران پس از انقلاب روبرو است. هزینه‌های مالی رو به افزایش، و مسایل بین‌المللی ایران باعث شده که، برای نخستین بار طی این سال‌ها، واسطه‌های قدرت در این کشور در مورد معیارهای سیاست هسته‌ای ایران اختلاف‌نظر پیدا کنند. هنوز روشن نیست که رهبر معظم ایران بتواند از تغییری جامع، در جهت‌گیری هسته‌ای کشور استفاده کند، اما شواهد تاریخی حاکی از این امر است که مشکلات اقتصادی موجب اعتدال و میانه‌روی (هرچند تدریجی و نامنظم) در سیاست‌ها شده است.

قدرت‌های بزرگ دنیا و مخالفت با رویکرد ایران

&8226#؛ همکاری بین‌المللی غیرمنتظره، به ویژه میان قدرت‌های بزرگ دنیا، باعث شد که روند اعمال تحریم‌ها بر ایران تسهیل شود؛ به این ترتیب بین کشورهای بزرگ اتحادی سازنده و پایدار علیه ایران به وجود آمده و همه بر رویکرد فعلی نسبت به ایران اتفاق نظر دارند. اروپا نیز، پس از چندین دهه امتناع از موضع‌گیری، اکنون خیلی مایل است که به تهران سخت بگیرد، و حتی مسکو و پکن هم به جمع کشورهای مخالف با مواضع ایران پیوسته‌اند. استقبال شرکای تجاری قدیمی ایران از اقدامات تنبیهی علیه این کشور باعث شد که باقی کشورهای دنیا، از جمله بسیاری از کشورهایی که مثل شیخ‌نشین‌های خلیج فارس از رویارویی مستقیم با ایران پرهیز داشتند، به جمع کشورهای مخالف رویکرد ایران بپیوندند.

انسجام و قدرت رهبری در ایران

&8226#؛ اکنون دیگر جای تردید نیست که اقتدار اصلی از آن رهبر معظم ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای است. ناآرامی‌های داخلی پس از انتخاب مجدد محمود احمدی‌نژاد منجر به تحکیم، تثبیت و تسلط گروه‌هایی تحت رهبری آیت‌الله خامنه‌ای شد و شاید این انسجام رهبری، محیطی آماده‌تر برای سیاست‌ها در ایران به وجود آورد.

مردم آمریکا نیز از جنگ‌گریزان و خواستار بهبود وضعیت اقتصادی‌اند

&8226#؛ بر همین اساس، سیاست داخلی آمریکا نیز نسبت به چهار سال پیش، محدودیت‌های کمتری برای طرح‌ریزی برنامه‌های جسورانه برای ایران دارد. آمریکا تازه از جنگ پرهزینه با عراق بیرون آمده و در تلاش برای پایان دادن به جنگ پرهزینه دیگری در افغانستان است و آمریکایی‌ها به هیچ‌وجه خوش ندارند که ماجراجویی جنگی دیگری را در خاورمیانه از سر بگذارند. شکست رویکرد جمهوری‌خواهان در میان مردم در انتخابات سال 2012 آمریکا نشان می‌داد که آمریکایی‌ها بازپروری و بهبود اقتصاد را بر تعهدات بین‌المللی ترجیح می‌دهند. در نتیجه، دولتمردان تساهل بیشتری در پیگیری توافقی نتیجه‌بخش و عملی و عقب راندن فشارهای متعصبانه نشان خواهند داد.

شکست احتمالی مذاکرات

اما با این‌که این بار احتمال نتیجه‌بخش بودن مذاکرات با ایران بیشتر است، خطرات نیز خیلی جدی‌تر و بزرگ‌تر از گذشته‌اند. برنامه هسته‌ای ایران هم‌چنان رو به پیشرفت است و بسیاری از ناظران مطمئن هستند که سال 2013 نقطه‌ای است که پس از آن دیگر نمی‌توان ایران را از دستیابی به توانایی هسته‌ای بازداشت. همین مسأله فوریت طرح‌ریزی هرگونه دیپلماسی از نو طراحی شده‌ای را بیشتر می‌کند. در صورتی که هیچ توافقی در مذاکرات حاصل نشود، باید تعهد مارس 2012 به استفاده از نیروی نظامی، (در صورت لزوم) به منظور جلوگیری از ساخت سلاح هسته‌ای در ایران را در نظر داشته باشیم.

در نتیجه، این بار نه زمان کافی برای تهدیدات توخالی داریم و نه فایده‌ای؛ دیپلماسی عمومی تنها نزدیکی عامه ایرانیان به فرهنگ آمریکایی را بیشتر می‌کند، اما بر شک رهبران این کشور می‌افزاید. درست است که تهران ماه‌هاست نشانه‌هایی برای چانه‌زنی‌های حداقلی برای کم کردن گستره فعالیت‌های هسته‌ای‌اش (یعنی غنی‌سازی سطح بالاتری که فقط برای تأمین سوخت راکتورهای پژوهشی مولد ایزوتوپ‌هایی برای درمان پزشکی باشد)، بروز می‌دهد، اما چنین اعتمادسازی تدریجی و قدم‌به‌قدمی فقط به شک و بدبینی‌ها دامن می‌زند.

توافق مطلوب تهران و واشنگتن

اما راکتور پژوهشی نقطه مناسبی برای شروع بحث است، زیرا دست‌کم از سال 2010 به این سو، حضور ثابتی در بحث‌های دیپلماتیک داخل خود ایران داشته و نیاز است که هرچه سریع‌تر فکری به حال ذخایر اورانیوم 20 درصد غنی‌شده ایران کرد. شروعی موفق زمان بیشتری برای مذاکرات می‌خرد و زمینه درک و دریافت‌های بیشتری را فراهم می‌سازد. بسیاری در واشنگتن و تهران بر سر توافقی که شروط حداقلی هر دو طرف را برآورده سازد اتفاق‌نظر دارند. چنین توافقی به ایران اجازه نگاه داشتن توانایی غنی‌سازی اندک (چندین هزار سانتریفوژی که برای غنی‌سازی کمتر از 5 درصد کار کنند)، را می‌دهد. تهران نیز باید در مقابل با بازرسی‌های دقیق و تأیید عملکردش موافقت کند تا گستره کلی برنامه‌اش شفاف شود و جامعه بین‌الملل نیز توانایی بیشتری برای پیش‌بینی موفقیت ایران به دست آورد. با چنین توافقی ایران باید مقدمات محدود ساختن فعالیت‌ها در سایت فوردو، تأسیسات زیرزمینی غنی‌سازی که سال گذشته نزدیک شهر قم افتتاح شد را فراهم سازد، سایتی که آمریکا بر تعطیلی آن اصرار می‌ورزد.

حذف و سبک کردن تحریم‌ها

برای دستیابی به این توافق باید از اعتبار خود خرج کنیم و گفت‌وگوی دیپلماتیک را مورد تشویق و تأکید قرار دهیم. در عین حال، علی‌رغم این‌که هم از لحاظ راهبردی و هم اخلاقی دوست نداریم بابت نقض قوانین هسته‌ای به ایران پاداش دهیم، مجبوریم برای رسیدن به مصالحه نتیجه‌بخش با تهران پیشنهادی بابت کاهش و سبک کردن تحریم‌ها به ایران ارائه کنیم. سیاست هسته‌ای ایران طی 11 سال گذشته تنها در یک مورد انسجام و ثبات داشته و آن رویکرد مذاکره‌ای‌اش بوده است و اصرار ایران برای کنار آمدن با هرگونه سازش نیز به دلیل افزایش بهایی که بابت مخالفت با سازش پرداخته، شدت یافته است.

ما باید با همکاری با شرکایمان در اروپا، روسیه و چین بسته‌ای قانع‌کننده تدارک ببینیم که در ازای اقدامات شفاف و تعهدات موثق ایران به حذف و کاهش تحریم‌های مشخص، اشاره کرده باشد. این انگیزه‌ها باید قانع‌کننده‌تر از پیشنهادات ناچیزی که آمریکا تا به امروز مطرح کرده و دست‌کم به اندازه خود تحریم‌ها نوآورانه باشند، اما هر انگیزه‌ای نیز باید موقت یا به سرعت قابل برگشت باشد تا بتوان نقشه‌ها و بهانه‌های ایران را تدبیر کرد. مضاف بر این، باید به دنبال تثبیت سازوکارهایی مالی برای تسهیل تعاملاتی چون اقدامات بشردوستانه، توافقات مربوط به غذا و دارو باشیم. تمامی این‌ها مستلزم برنامه‌ریزی‌های پیشاپیش مقامات دولتی برای حصول اطمینان از حمایت‌کننده است.

نتیجه مطلوب رویکرد دیپلماسی

البته هیچ‌گونه تضمینی در کار نیست. جمهوری اسلامی ایران کشوری است که همواره غیر قابل پیش‌بینی بوده است، خصومت و بی‌اعتمادی نسبت به واشنگتن در عمق جان تصمیم‌گیران اصلی این کشور نفوذ کرده است. تحریم‌ها، ستون فقرات رهبری این کشور را قوی‌تر ساخته و شک و سوءظنی به آمریکا و این‌که منافعی در تغییر رژیم این کشور دارد را بیشتر کرده است. به علاوه، جنگ داخلی در سوریه و عزم ایرانی‌ها برای مقاومت در مقابل کمپین فشار اقتصادی و جنگ پنهان غرب نیز ممکن است، در را به روی هرگونه طرح دیپلماتیک جدید ببندد، یا شاید آتش رویارویی مستقیمی را برافروزد که هیچ‌کدام از دو طرف خواستار آن نیستند.

با تمام این‌ها، راه‌های دیگری که در کنار توافقات از طریق مذاکره داریم به مراتب کم‌طرفدارتر از خطراتی است که شاید مذاکره به همراه آورد و نتیجه مطلوبی که مذاکرات به بار خواهد آورد، به قدری مهم و رضایت‌بخش است که می‌تواند صرف هر میزان زمان و انرژی بر سر این موضوع را توجیه کند. و حتی اگر تهران تمایلی جدی به مذاکره نشان ندهد، دست‌کم تعهد آمریکا به دیپلماسی و ارجح دانستن آن بر دیگر گزینه‌ها را نشان داده‌ایم. (فارس)